یادداشت

حمیدرضا شاه‌نظری

در یک رودخانه دو بار نمی‌توان شنا کرد!

دو روز پیش، رئیس‌جمهور امریکا در پاسخ به ابتکار مشترک ایران و عمان برای مدیریت ترانزیت تنگه هرمز، یکی از دوستان منطقه‌ای خود را تهدید به انفجار کرد: «عمان درست مثل بقیه رفتار خواهد کرد، وگرنه باید آنها را منفجر کنیم.» از این ادبیات قابل‌فهم است که رئیس‌جمهوری کشوری که دهه‌ها خود را مدعی نظم حقوقی و امنیتی بین‌الملل می‌خواند، چقدر تحت فشار است که ناگزیر اینگونه عریان از ادبیات تهدید استفاده می‌کند بی‌آنکه دریابد فاصله خشم او با واقعیت میدانی، به اندازه تمام فاصله‌ای است که یک هژمون در حال سقوط تا درک فروپاشی خود دارد. واقعیتی که رهبر معظم انقلاب اسلامی، چند روز پیش، در پیام حج خود، با صلابت و دقتی شگفت‌آور در دو گزاره راهبردی خلاصه کرده‌بود؛ «منطقه، دیگر سپر پایگاه‌های امریکایی نخواهد بود» و «عقربه‌های زمان به عقب بازنخواهد گشت.» تا پیش از حماسه‌آفرینی ملت ایران در جنگ رمضان، مفهوم «سپر بودن» منطقه برای امریکا، هسته مرکزی نظم امنیتی چهار دهه اخیر در غرب آسیا را تشکیل می‌داد. بر اساس این نظم، کشورهای عربی جنوب خلیج فارس –از بحرین و قطر گرفته تا کویت و امارات– کارکرد «سپرهای انسانی- زیرساختی» را ایفا می‌کردند؛ به این معنا که میزبانی از پایگاه‌های نظامی پیشرفته و میزبان ناوگان دریایی و تفنگداران امریکا و تأسیسات لجستیک و حمایت و پشتیبانی و هزینه دادن برای آنها، در ازای دریافت وعده امنیت از جانب واشنگتن صورت می‌پذیرفت. این معادله که می‌توان آن را «نفت در برابر امنیت» نامید، مبتنی بر یک فرض بنیادین بود؛ توانایی امریکا در اعمال هزینه‌های بازدارنده بر هر بازیگری که امنیت منطقه را به چالش بکشد، اما فروپاشی این فرض در جنگ رمضان به شکلی بی‌سابقه رخ داد. پایگاه‌های امریکایی در عمق کویت، قطر و بحرین مستقیماً هدف حملات دقیق پهپادی و موشکی قرار گرفتند و ناوگان پنجم نه‌تنها نتوانست از این تعرضات جلوگیری کند، بلکه شاخص‌های اقتصادی- امنیتی حضور خود را نیز از دست داد و هزینه تمام‌شده تأمین امنیت برای هر بشکه نفت عبوری از تنگه هرمز نه‌تنها بسیار بالا رفت که اصلاً به اراده یک قدرت نوظهور گره خود که تا پیش از این، صبورانه و بزرگ‌منشانه از حق خود چشم‌پوشی کرده بود! بعد از این جنگ تحمیلی و خوش‌خیالانه، منطقه دیگر برای امریکای ترامپ «سپر» نیست، بلکه «هدف» و «گروگان» معادله‌ای شده است که هژمون فرامنطقه‌ای، دیگر قدرت حل آن را ندارد.

تهدید ترامپ علیه عمان را باید در چارچوب نظریه «واکنش هژمون در حال افول» تحلیل کرد. عمان، در باریک‌ترین نقطه تنگه هرمز –که عرض آن به ۲۱ مایل دریایی می‌رسد– در کنار ایران، آب‌های سرزمینی خود را تا ۱۲ مایل از خط ساحلی گسترش داده‌است. جمع جبری این دو، به این معناست که هیچ «آب آزاد» یا «آبراه بین‌المللی» به معنای کلاسیک در این تنگه وجود ندارد. ابتکار مشترک ایران و عمان برای مدیریت عبور و مرور کشتی‌ها، نه نقض حقوق بین‌الملل که اعمال حاکمیت دو کشور ساحلی بر قلمرو خود است، اما چرا این اقدام ساده حقوقی، خشم کاخ سفید را برانگیخته است؟ پاسخ در ماهیت تحول رخ‌داده نهفته است؛ امریکا برای اولین بار پس از چهار دهه، با واقعیتی مواجه شده که در آن «تصمیم‌گیری امنیتی» در منطقه، بدون هماهنگی با او و حتی بر خلاف اراده او، توسط کشورهای مستقل منطقه صورت می‌پذیرد. تهدید به «انفجار» عمان، در واقع نوعی «واکنش شوک» به این واقعیت جدید است، واکنشی که بیش از آنکه نشانه قدرت باشد، نشانه ناتوانی در پذیرش افول است.

گزاره دوم پیام رهبری مبنی بر اینکه «عقربه‌های زمان به عقب بازنخواهد گشت» نیز به یک اصل بنیادین در نظریه تغییرات ژئوپلیتیک اشاره دارد. در مطالعات راهبردی، میان «شکست تاکتیکی» و «شکست راهبردی» تفاوتی بنیادین وجود دارد. شکست تاکتیکی با تغییر تاکتیک‌ها، افزایش نیرو یا جابه‌جایی فرماندهان، قابل جبران است. اما شکست راهبردی، به ساختار موازنه قدرت و ادراک بازیگران از هزینه- فایده رفتار خود بازمی‌گردد و جبران‌ناپذیر است. آنچه در غرب آسیا رخ داده، دقیقاً یک شکست راهبردی برای امریکاست. نه به این دلیل که تعداد معینی از پایگاه‌هایش منهدم شده یا تعداد معینی از سربازانش کشته شده‌اند، بلکه به این دلیل که «اعتبار بازدارندگی» او –که سرمایه اصلی هر هژمونی است– برای همیشه فروپاشیده است. کشورهای منطقه، از عمان تا عربستان، از قطر تا امارات، اکنون محاسبات خود را بر مبنای یک واقعیت جدید انجام می‌دهند؛ امریکا نه توانایی محافظت از سپرهای خود را دارد و نه توان پرداخت هزینه سنگین بازگرداندن آن اعتبار را، هنگامی هم که ادراک بازیگران تغییر کند، بازگشت به وضعیت پیشین، حتی با صرف هزینه‌های سرسام‌آور، غیرممکن می‌شود، چراکه اعتبار، کالایی نیست که با پول یا زور خریداری شود؛ کالایی است که با عملکرد ساخته می‌شود و با شکست، برای همیشه از دست می‌رود. از این‌رو ضرباتی که امروز بر هیمنه امریکا خورده‌است، از جنس ضربات جبران‌ناپذیر است. «جبران‌ناپذیر» از این جهت که مرز باریک میان «قیمت امنیت» و «ارزش امنیت» را برای همیشه جابه‌جا کرده‌است. تا پیش از این، کشورهای منطقه حاضر بودند هزینه سنگین میزبانی از پایگاه‌های امریکایی را بپردازند، زیرا ارزش امنیت دریافتی را بالاتر از آن هزینه ارزیابی می‌کردند. اما اکنون، ارزش امنیت دریافتی به صفر نزدیک شده –چه بسا منفی– و هزینه آن همچنان بالاست. این تغییر در ارزیابی عقلانی، نه با تهدید، نه با تحریم و نه با اعزام ناوهای بیشتر قابل بازگشت نیست، چراکه ریشه در یک تجربه عملی دارد؛ تجربه ناتوانی امریکا در دفاع از متحدانش در برابر حملاتی که خود او نیز هدف آنها بود.

در چنین وضعیتی است که می‌توان ادعای تولد «نظم نوین غرب آسیا» را نه یک شعار که یک تحلیل راهبردی تلقی کرد. در این نظم نوین، نقش کشورهای منطقه در تصمیم‌گیری‌های امنیتی به طور بنیادین افزایش یافته و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای –به ویژه امریکا– به شدت کاهش یافته‌است. این نظم، لزوماً نظم هماهنگ و بی‌درگیری نیست، اما قطعاً نظمی است که در آن «قیمت مداخله فرامنطقه‌ای» برای اولین‌بار از «قیمت مدارا با بازیگران منطقه‌ای» بیشتر شده‌است و این، دقیقاً همان نقطه عطف تاریخی است که رهبر انقلاب در پیام حج خود، با عبارتی کوتاه اما پرمعنا، از آن پرده برداشتند.

با این وصف، تهدید ترامپ علیه عمان و فریادهای خشم‌آلود کاخ سفید، چیزی جز انکار یک واقعیت برگشت‌ناپذیر نیست. قرن‌ها پیش، هراکلیتوس فیلسوف یونانی به جهان آموخت که نمی‌توان دو بار در یک رودخانه شنا کرد، زیرا آب‌ها رفته‌اند و آب‌های تازه‌ای آمده‌اند، اما ترامپ، چنان اسیر توهم بازگشت به گذشته است که قدرت درک این منطق ساده این فیلسوف پیشاسقراطی را هم ندارد و گمان می‌کند با تهدید و انفجار می‌تواند عقربه‌های زمان را به عقب برگرداند. او نمی‌داند –یا نمی‌خواهد بداند– که هیمنه امریکا در خلیج فارس، آن رودخانه‌ای نیست که بتوان دو بار در آن شنا کرد. آب رفته است و رودخانه‌ای تازه جاری شده‌است؛ رودخانه‌ای که نامش «نظم نوین مقاومت در غرب آسیا» است و آنچه در دفاع مقدس سوم رقم خورد، نه یک بحران گذرا که جابه‌جایی دائمی بستر این رودخانه بود. عقربه‌های زمان هرگز به عقب بازنخواهند گشت و دوران «سپر بودن»، دوران «نفت در برابر امنیت» و دوران «قیمت امنیت به نفع هژمون» همه و همه برای همیشه به تاریخ پیوسته‌اند و امریکا، با تمام توان نظامی و اقتصادی خود، قادر به بازگرداندن آنها نیست، چراکه امریکای بعد از اشتباه تاریخی حمله به ایران، هیچ‌گاه امریکای سابق نخواهد شد!

پیام

رهبر معظم انقلاب در پیامی به مناسبت آغاز سومین سال فعالیت مجلس دوازدهم تأکید کردند

اختلافات پوچ سیاسی و تفاوت‌های اجتماعی را برجسته نکنید

لازم است تک تک جان‌فدایانی که دلشان برای اسلام و انقلاب یا استقلال و سربلندی ایران می‌تپد از این پس بیش از پیش برای پاسداری از وحدت صفوف منسجم و به‌هم‌پیوسته ملت اهتمام ورزند و اختلافات غیرموجه و حتی موجه را به تنازع و تفرقه تبدیل نکنند و با پرهیز از اختلافات پوچ سیاسی و برجسته کردن تفاوت‌های اجتماعی، قولاً و عملاً مظهر انسجام و یکپارچگی ملت باشند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت هفتم خرداد، سالروز تشکیل اولین دوره مجلس نوشتند: عید سعید قربان و سالروز افتتاح اولین دوره مجلس شورای اسلامی را به همه ملت عزیز ایران اسلامی و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تبریک می‌گویم و به این مناسبت از تلاش‌های نمایندگان، خصوصاً رئیس محترم مجلس شورای اسلامی جناب آقای دکتر قالیباف در راه اعتلای کشور قدردانی می‌کنم. مجلس شورای اسلامی، عصاره ملت، مظهر مردم‌سالاری دینی و رکن قانون و قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی است که نقش مهمی در اعمال اراده مردم دارد. اکنون با سپری شدن سه ماه از دفاع مقدس سوم، عیار باطنی و جوهره مردم ایران در ایمان و امید و عمل به دوست و دشمن ثابت شده و ارتقای تراز مردم ایران، جلوه‌ای خیره‌کننده از عصاره فضائل ملت را به منصه ظهور رسانده است.

از آنجا که نماینده حقیقی ملت باید از جنس ملت باشد، مقطع کنونی، نقطه عطف جلوه بعثت مردم در نمایندگان و مجلس شورای اسلامی است تا نقش‌آفرینی و انجام مسئولیت خود را در تراز ملت مبعوث شده تنظیم کنند و با کار و ابتکار مضاعف، قانون‌گذاری و نظارت را در مسیر ریل‌گذاری آینده ایران اسلامی تسریع و تعمیق نمایند.

■ **مجلس هم‌افزا با دولت گره‌گشای دغدغه‌های مردم باشد**

در این میدان جهاد، صندلی نمایندگی به‌مثابه سنگر خط مقدم تحول در مسیر پیشرفت کشور قلمداد می‌شود. بنابراین شایسته است نمایندگان ملت با اتکال به عنایات حضرت حق، جل و علا و توسل به سرور و مولایمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف و با پاسداشت خون‌های پاک شهدای مظلوم دو جنگ تحمیلی امریکایی-صهیونیستی و در رأس آنها رهبر عظیم‌الشأن شهیدمان اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف، به‌طور مجاهدانه تمام توان و ظرفیت خود را برای حکمرانی هم‌افزا با دولت و سایر دستگاه‌ها در عین استقلال قوه مقننه، در مسیر نوسازی شایسته کشور، گره‌گشایی از دغدغه‌های مردم، خصوصاً مسائل اقتصادی و معیشتی، رونق تولید و اشتغال، رشد تراز علم و صنعت، اعتلای فرهنگ و اخلاق، مبارزه با فساد مالی، مهار تورم و گرانی و محرومیت‌زدایی همه‌جانبه مصروف کنند.

بر این اساس لازم است مصوبات مجلس با مسائل اصلی کشور و نیازهای مردم نسبتی مستقیم و مشهود داشته باشد و معطوف به امیدآفرینی و آینده‌سازی کشور باشد. جامعه پیش از هر چیز نیازمند مشاهده نشانه‌های واقعی امید، مسیر باثبات و چشم‌انداز روشن از آینده است تا بتواند بر اساس آن برنامه‌ریزی و حرکت کند و نمایندگان مجلس با مواضع، مصوبات و نطق‌های خود می‌توانند مجلس شورای اسلامی را نهاد پیشران امیدآفرینی نمایند؛ از جمله در موقعیت کنونی با همراهی قوای مجریه و قضائیه با تمرکز بر شعار «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» در سال ۱۴۰۵، ثبات اقتصادی، کاهش تورم، مدیریت نقدینگی، رونق تولید، اصلاح برنامه هفتم پیشرفت و افزودن موارد مربوط به نوسازی و بازسازی خسارات جنگ تحمیلی دوم و سوم را دستور کار اصلی قرار داده و نقشه راه حرکت دولت و سایر بخش‌ها را در شرایط کنونی و دوران پساجنگ ترسیم کنند.

■ **الزامات مجلس تراز ملت مبعوث شده**

برای ایفای نقشی در تراز ملت مبعوث شده، مقدمات و الزامات گوناگونی نیز مورد نیاز است که در این مجال مختصر، صرفاً برادران و خواهران گرامی را به مطالعه دقیق و جدی تفاصیل فرمایشات قائد عظیم‌الشأن شهید اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف در دیدارهای سالیانه نمایندگان مجلس شورای اسلامی، به‌خصوص سال‌های اخیر که واجد ارزش تجربی و عملیاتی مهمی است، توصیه می‌نمایم.

طبیعی است که رعایت تقوای فردی در تضمین مراعات آن رهنمودها و انجام صحیح وظایف خطیر در برهه حساس فعلی، نقش اساسی دارد و تشخیص صحیح اولویت‌ها، آرای مبتنی بر مطالعات و مشورت‌های عمیق کارشناسی، زیست مردمی و ارتباط گسترده با مردم، فسادستیزی همه‌جانبه، ترجیح منافع ملی و مطالبات عمومی بر نیازها و منافع جناحی و گروهی و منطقه‌ای، توجه به دیپلماسی پارلمانی، شجاعت و اعلام مواضع شفاف و مقتدرانه در برابر زیاده‌خواهی‌های مستکبران و توجه هوشمندانه و انقلابی به موقعیت تازه ایران در منطقه و جهان در زمره این الزامات است.

■ **اختلافات را به تنازع و تفرقه تبدیل نکنید**

از جمله مصادیق تقوا، رعایت نعمت عظیم وحدت ملی و انسجام بی‌بدیلی است که حول پرچم ایران اسلامی به ملت بعثت یافته ارزانی شده و در زمره مهم‌ترین عوامل ظفر در مقابل شیطان بزرگ می‌باشد. شکر این موهبت، اهتمام آحاد ملت، خصوصاً نخبگان فکری و سیاسی از جمله نمایندگان مجلس به صیانت از این وحدت و پرهیز از اختلافات پوچ سیاسی و برجسته کردن تفاوت‌های اجتماعی است.

طرح و نقشه کور دشمن پس از جنگ تحمیلی و فشار اقتصادی و محاصره تبلیغاتی و سیاسی، ایجاد تفرقه و تجزیه اجتماعی برای جبران شکست‌های میدان نظامی و به زانو درآوردن ملت است و لازم است تک‌تک جان‌فدایانی که دلشان برای اسلام و انقلاب یا استقلال و سربلندی ایران می‌تپد، از این پس، بیش از پیش برای پاسداری از وحدت صفوف منسجم و به‌هم‌پیوسته ملت اهتمام ورزند و اختلافات غیرموجه و حتی موجه را به تنازع و تفرقه تبدیل نکنند و قولاً و عملاً مظهر انسجام و یکپارچگی ملت باشند، ان‌شاءالله. برای شما در وظیفه بسیار سنگین نمایندگی ملت شایسته‌ای که در مقابل ظلم و تجاوز ددمنشان و پلیدان دهر، سینه سپر کرده و تاریخ را به سمت صحیح خود هدایت می‌کند، آرزوی توفیق دارم. با امید اینکه دعای سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، مؤید و مسدد و جلب‌کننده توفیقات الهی برای شما عزیزان باشد.

حج

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت موسم حج ابراهیمی تأکید کردند

منطقه عقربه بازگشت ندارد

حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت فرارسیدن موسم حج ابراهیمی، اعمال و اذکار پررمز و راز حج را نشانه‌هایی برای همیشه بشریت جهت هجرت به سمت خداوند تعالی و رهایی از قید و بند شیطان و اذنابش و سعی و تلاش بی‌وقفه برای عمل به تکالیف الهی و رهایی از هواهای نفس و سعادتمندی دنیوی و اخروی برشمردند و با اشاره به تکیه ملت بزرگ ایران بر این نشانه‌ها، به‌ویژه سلاح «الله‌اکبر» از دوران نهضت اسلامی و پیروزی انقلاب و دوران دفاع مقدس تا جنگ تحمیلی دوم و جنگ تحمیلی سوم و ناکام گذاشتن دشمنان برای تسلیم ایران و واقعه اعجاب‌انگیز بعثت الهی مردم تأکید کردند: امسال مسئله برائت از مشرکان اهمیت مضاعفی دارد و عمق و گستره برائت از امریکا و رژیم صهیونی فراتر از آیین برائت در موسم حج است و از این پس «مرگ بر امریکا» و «مرگ بر اسرائیل» شعار رایج امت اسلامی و مظلومان عالم، خصوصاً جوانان خواهد بود.

در پیام رهبر انقلاب اسلامی به امت اسلامی که از سوی حجت‌الاسلام نواب نماینده، ولی‌فقیه و سرپرست حجاج ایرانی در صحرای عرفات قرائت شد، آمده است: موسم حج امسال نیز فرا رسید و حج‌گزاران امت اسلام احرام بندگی بستند و تلبیه گفتند تا از زندگی مادی و معمولی به زندگی الهی و سعادتمندانه هجرت کنند؛ زندگی توحیدی بر محور عبودیت حضرت حق جل و علا، و طرد و نفی و برائت از اندادالله، اما فرصت این هجرت تنها متعلق به زائران و حجاج امسال بیت‌الله نیست و تمامی برادران و خواهران مسلمان ایران و سراسر جهان، از آنها که در سال‌های گذشته عمر خود حاجی شده تا کسانی که هنوز موفق به انجام اعمال حج نشده‌اند، شامل می‌شود. شرط این هجرت، بستن احرام دائمی حول ذکرالله است؛ طواف دائمی بر گرد محور حق است؛ سعی دائمی در میانه قله‌های خطیر تکالیف الهی است؛ رمی دائمی شیطان شریر است، با جلوه‌های اغواگر و همه اذنابش؛ وقوف آمیخته با توجه و تضرع است؛ اطعام فقیر زمین‌گیر و رهگذر است، قربانی کردن هواها و تمایلات منحرف‌ساز و زدودن پلیدی‌های درونی است؛ و در همه حالات، آماده خدمت بودن و برافراشتن پرچم دفاع از حق است.

■ **الله‌اکبر ملت ایران طاغوت را ساقط کرد**

و اینگونه بود که ملت ایران در میقات انقلاب اسلامی قدم در مسیر همین هجرت گذاشت، صلای ابراهیمی خمینی کبیر را اجابت کرد، لباس سلطه‌پذیری از تن درآورد، احرام سعادتمندی دنیوی و اخروی بر تن نمود و لبیک گویان و هروله‌کنان تلاش کرد تا بر محور معارف اسلام ناب محمدی صلی‌الله علیه و آله و سلم طواف نماید و خود را به نور عالم‌تاب عدل جهانی و ولایت عظمی نزدیک کند. الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر، الله اکبر ولله الحمد، الله اکبر علی ما هدانا.

آری الله‌اکبر؛ با همین سلاح الله‌اکبر بود که ملت مسلمان ایران در ۴۷ سال قبل قیام کرد، رژیم طاغوت، دیکتاتور و وابسته پهلوی را ساقط کرد، دست و پای امریکای طمع‌کار و مستکبر را از کشور برید و نفوذ صهیونیسم را به کلی قطع کرد. با همین سلاح الله‌اکبر بود که پس از تجاوز رژیم بعث صدامی به خاک ایران، مجاهدان غیور و جوانان از خودگذشته حماسه هشت سال دفاع مقدس را رقم زدند و به‌رغم حمایت همه قدرت‌های شرق و غرب از رژیم بعث، او را بر سر جای خود نشاندند و این ایستادگی را تا سال‌ها بعد در برابر محاصره‌های اقتصادی، کودتا، تحریم‌های ظالمانه، حملات بی‌شمار سیاسی و تبلیغاتی و اقتصادی دشمنان علیه جمهوری اسلامی، محکم و استوار ادامه دادند.

■ **الله‌اکبر رشته اتصال امت اسلامی**

الله‌اکبر؛ همین سلاح الله‌اکبر بود که رشته‌های اتصال امت اسلامی و جوانان مجاهد جبهه مقاومت را از ایران تا لبنان و فلسطین و عراق و سوریه، از آفریقا و یمن تا افغانستان و پاکستان و همه ملت‌های آزاده جهان مستحکم کرد تا این حبل متین به دفاع از کیان امت اسلامی در برابر متجاوزان غاصب صهیونیستی برخیزد، طومار داعش را در هم پیچد، طوفان‌الاقصی به راه اندازد و نفس رژیم متزلزل صهیونیستی را به شماره اندازد. الله‌اکبر؛ آری خداوند تبارک و تعالی بزرگ‌تر است از آنکه به وصف آید. این سلاح الله‌اکبر بود که جمهوری اسلامی ایران با اتکا به آن موفق شد رژیم صهیونیستی را در جنگ تحمیلی دوم در خرداد ۱۴۰۴ زیر ضربات سهمگین خود بیچاره کند، سیلی سختی به امریکای متجاوز بزند و دشمن را در هدف خود مبنی بر تسلیم ایران ناکام کند. و سلاح الله‌اکبر، چنان قوت و نیرویی به ملت ایران بخشید که پس از واقعه جانگداز شهادت قائد عظیم‌الشأن، فرزند خلف پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم، حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای اعلی‌الله مقامه‌الشریف به دست اشقیای جهان امروز بعثت الهی یافت و با حضور همه‌جانبه در هر عرصه‌ای که نیاز بود، چشمان دنیا را به افتخارآفرینی‌های خود خیره کرد. به درستی که خداوند تبارک و تعالی بزرگ‌تر است از آنکه به وصف آید.

■ **بعثت امت اسلامی با الله‌اکبر رقم می‌خورد**

با همین سلاح الله‌اکبر بود که رزمندگان غیور و نیروهای مسلح جان‌فدا در ایران اسلامی، با همراهی مجاهدان جبهه مقاومت، خصوصاً لبنان عزیز به پیروزی‌های چشمگیر در برابر دو ارتش تروریستی و تا بن دندان مسلح امریکایی-صهیونیستی در جنگ تحمیلی سوم دست یافتند؛ با توکل به حضرت ربوبی و به وسیله موشک‌ها و پهپادهای خود در زمین، هوا و دریا شیطان بزرگ، یعنی امریکا و حیوان دست‌آموزش، رژیم صهیونیستی را رمی کردند و وعده صادق الهی به نصرت مجاهدان در راه خدا را، به چشمان خود دیدند. و باز هم الله‌اکبر؛ بی‌گمان خداوند تبارک و تعالی بزرگ‌تر است از آنکه به وصف آید و جنود او بر هر قدرتی چیره‌اند. و با همین سلاح الله‌اکبر است که در پی بعثت ملت ایران و جبهه مقاومت، بعثت امت اسلامی رقم خواهد خورد و برائت از مشرکان از رمی جمرات حج به صحنه‌های زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان در اقصی نقاط عالم تسری خواهد یافت. امت اسلامی و ملت‌های منطقه ظرفیت‌ها و منافع مشترک زیادی دارند که نظم جدید و هندسه آینده منطقه و جهان را شکل خواهد داد.

■ **منطقه دیگر سپر پایگاه‌های امریکایی نخواهد بود**

اینجانب با صدق و خلوص همه کشورها و دولت‌های اسلامی را به دوستی و تعاون به خیر و نیکی دعوت می‌کنم تا با همکاری یکدیگر در راه پیشرفت امت اسلامی و حل مسائل دنیای اسلام قدم برداریم.

آنچه در این زمینه مسلم است، عقربه زمان به عقب برنمی‌گردد و ملت‌ها و سرزمین‌های منطقه، دیگر سپر پایگاه‌های امریکایی نخواهند بود. امریکا علاوه بر آنکه دیگر نقطه امنی برای شرارت و استقرار پایگاه نظامی در منطقه نخواهد داشت، روز به روز از وضع سابق خود فاصله می‌گیرد. رژیم متزلزل و غده سرطانی صهیونی نیز به مراحل پایانی عمر منحوس خود نزدیک شده و به فضل الهی و مطابق با سخن قاطع و آینده‌نگر ۱۰ سال قبل رهبر عظیم‌الشأن شهید قدس‌الله نفسه‌الزکیه ۲۵ سال بعد از آن تاریخ را نخواهد دید، ان‌شاءالله. به همین جهت امسال مسئله برائت از مشرکان اهمیتی مضاعف دارد و عمق و گستره برائت از امریکا و رژیم صهیونی، فراتر از آیین برائت در موسم و میقات حج بوده و در نقاط مختلف ایران و جهان پس از این ایام مبارک، مرگ بر امریکا و مرگ بر اسرائیل، شعار رایج امت اسلامی و مظلومان عالم، خصوصاً جوانان خواهد بود.

■ **آینده متعلق به امت و تمدن نوین اسلامی**

آینده متعلق به امت اسلامی و تمدن نوین اسلامی است و هر یک از ما می‌توانیم به اندازه همت، ظرفیت و مسئولیت خود در تحقق این آینده و نزدیک‌تر شدن به آن ایفای نقش کنیم. زائران و حج‌گزاران ایرانی در حج امسال نقش مؤثر و برجسته‌ای در روایت فتح جنگ تحمیلی سوم برای سایر برادران و خواهران مسلمان خود و امیدوار ساختن آنها به آینده روشن دارند. از همه حجاج عزیز می‌خواهم به دعا برای تعجیل در فرج منجی بشریت عجل‌الله تعالی فرجه اهتمام ورزیده و برای وحدت امت اسلامی، آزادی فلسطین و مسجدالاقصی، رفع گرفتاری‌های بزرگ مسلمین و رسیدن به ظفر نهایی مقابل استکبار جهانی دعا کنند و اینجانب را نیز مشمول دعای خیر خود نمایند.

یادداشت

دیپلماسی مقتدرانه

رحیم زیادعلی
دبیر سیاسی

رئیس هیئت مذاکره‌کننده ایران در حساب کاربری خود در شبکه ایکس در پیامی سه‌بندی موضع صریح ایران در خصوص مذاکره با امریکا را اعلام کرد و نوشت: ما امتیازات را نه با گفت‌وگو، بلکه با موشک‌ها می‌گیریم، در مذاکره فقط آنها را تفهیم می‌کنیم. اعتمادی به تضمین‌ها و حرف‌ها نداریم، فقط رفتارها معیار است. هیچ اقدامی پیش از اقدام طرف مقابل انجام نخواهد شد. پیروز هر توافقی کسی است که از فردای آن، بهتر برای جنگ آماده شود.

پیام سه‌بندی دکتر قالیباف را باید یکی از صریح‌ترین صورت‌بندی‌های «دیپلماسی از موضع قدرت» در فضای سیاسی اخیر دانست؛ پیامی که نشان می‌دهد رئیس مجلس و رئیس هیئت مذاکره‌کننده ایران، مذاکره را نه جایگزین میدان، بلکه امتداد دستاوردهای میدان تعریف می‌کند. جمله کلیدی او که «ما امتیازات را نه با گفت‌وگو، بلکه با موشک‌ها می‌گیریم، در مذاکره فقط آنها را تفهیم می‌کنیم» در واقع یک تغییر پارادایم در ادبیات مذاکره است؛ به این معنا که ایران دیگر منتظر امتیازدهی طرف مقابل در پشت میز مذاکره نیست، بلکه ابتدا موازنه قدرت را در میدان تغییر می‌دهد و سپس آن واقعیت جدید را در مذاکرات تثبیت و تحمیل می‌کند. این گزاره، حامل این پیام روشن به امریکاست که اقتدار دفاعی و توان بازدارندگی ایران، پشتوانه اصلی تیم مذاکره‌کننده است، نه لبخندهای دیپلماتیک و وعده‌های سیاسی.

بند دوم پیام دکتر قالیباف نیز آشکارا متأثر از تجربه برجام و بدعهدی‌های مکرر امریکاست. تأکید بر اینکه «اعتمادی به تضمین‌ها و حرف‌ها نداریم، فقط رفتارها معیار است» به معنای عبور کامل از سیاست اعتمادسازی یک‌طرفه است. ایران در این چارچوب اعلام می‌کند که دیگر حاضر نیست پیشاپیش تعهدات خود را اجرا کند و سپس منتظر اقدام متقابل امریکا بماند. عبارت «هیچ اقدامی پیش از اقدام طرف مقابل انجام نخواهد شد» در حقیقت بازتعریف اصل «اقدام در برابر اقدام» و تلاشی برای بستن راه تکرار تجربه‌های گذشته است؛ تجربه‌ای که در آن واشینگتن پس از دریافت امتیازات نقد، از اجرای تعهدات خود شانه خالی کرد.

اما شاید مهم‌ترین و عمیق‌ترین بخش این پیام، بند سوم آن باشد؛ جایی که رئیس هیئت مذاکره‌کننده ایران می‌گوید «پیروز هر توافقی کسی است که از فردای آن، بهتر برای جنگ آماده شود.» این جمله نشان می‌دهد که در نگاه راهبردی جمهوری اسلامی، توافق نه پایان تقابل، بلکه مرحله‌ای از مدیریت تقابل است. از این منظر، حتی در صورت رسیدن به توافق، اصل بازدارندگی و آمادگی دفاعی نباید تضعیف شود، زیرا تجربه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نشان داده که توازن قدرت، مهم‌ترین تضمین بقا و امنیت کشورهاست. بنابراین، پیام قالیباف را می‌توان اعلام رسمی یک دکترین سیاسی ـ امنیتی جدید دانست: مذاکره بدون تکیه بر قدرت میدان بی‌معناست.

گزارش

اعلامیه ایران قدرتمند جدید

ادامه از صفحه یک

چالش سوم اما حفظ وحدت ملی در غیاب «دشمن بیرونی مشترک» است که «فوریت» خود را از دست داده است. در طول جنگ تحمیلی اول، دوم و سوم، «تهدید وجودی» بزرگ‌ترین چسب هم‌افزای اجتماعی بود. حالا با فرض شکست دشمن در میدان نظامی، دشمن به صحنه تفرقه‌افکنی اجتماعی پناه برده است و پیام به مجلس این حقیقت را هشدار می‌دهد. نظام در دوران پساجنگ باید در غیاب بمباران و تحریم‌های فلج‌کننده، دست کم با شدت سابق، اختلافات سیاسی، قومی، نسلی و طبقاتی را مدیریت کند. پیام به مجلس با عبارت «اختلافات غیرموجه و حتی موجه را به تنازع تبدیل نکنید» که نادر و اندیشیدنی است، عملاً به نخبگان می‌گوید حتی اگر حق با شماست، برای تفرقه اجتماعی وارد عمل نشوید. این یک «پیمان آتش‌بس داخلی» در سطح نخبگان است که شرط بقای نظام پس از جنگ به شمار می‌رود.

■ **مسیر پیش روی نظام**

اگر این دو پیام را «نقشه راه» و مانیفست آینده در نظر بگیریم، مسیر آتی نظام دست کم در افق میان‌مدت بر پنج ریل زیر تعریف می‌شود.

ریل اول: «بازسازی»، مادر رمی شیطان بزرگ، جهان را خیره و شگفت‌زده کردیم. به‌واقع یک «رمی مدرن» انجام دادیم. به جای سنگ، موشک زدیم و به‌جای ابلیس که شیطان کوچکی است، امریکا را که «شیطان بزرگ» است، از خود راندیم. حال نوبت رمی فساد اقتصادی و ناکارآمدی مدیریتی است که مقدمه‌ی بازسازی اقتصادی و صنعتی است.

ریل دوم: «مردم‌سالاری کارآمد»، عباراتی چون «نماینده حقیقی ملت باید از جنس ملت باشد»، «زیست مردمی و ارتباط گسترده با مردم»، «آرای مبتنی بر مطالعات و مشورت‌های عمیق کارشناسی» که صراحت بالایی دارد، حاکی از آن است که نگرش مبتنی بر مردم‌سالاری دینی، در دوران جدید بر حل مسئله و حکمرانی شواهدمحور متمرکز شده‌است. وقتی رهبری، رفتار «پوچ» برخی نمایندگان را تحمل نمی‌کند و مجلس «رکن قانونگذاری مسئله‌محور» معنا می‌شود، این یعنی «کارآمدی»، رکن اصلی مشروعیت نمایندگان است. معتقدم وظیفه احزاب در انتخابات بعدی بسیار سنگین است و باید شکل انتخابات در ایران به کلی به «معرفی کارآمدان و شایستگان واقعی» تغییر کند و بسیاری از سیاسیون فعلی که «چانسی گاردنر»های نفوذی هستند، به دست مردم کنار گذاشته شوند.

ریل سوم: «وحدت ملی استراتژیک»، مانند سپر نرم. در پیام مجلس تکرار شده است که وحدت حول پرچم ایران اسلامی، پرهیز از برجسته کردن تفاوت‌های اجتماعی و مقابله با پروژه دشمن برای تجزیه اجتماعی باید سرلوحه قرار گیرد. هرچند «برجسته‌نکردن تفاوت‌های اجتماعی» پیامی روشن با مخاطبان روشن است که دارودسته این مخاطبان هم معین و انگشت‌نما هستند، ولی از منظری جزئی‌تر آنچه جدید است، تعمیم وحدت به حتی «اختلافات موجه» است که در ادبیات سیاسی ایران، هرچند در پیام‌های رهبر شهید سابقه دارد ولی اصرار و صراحت بر آن در دوران جدید نشانه باقی‌ماندن یک زخم کهنه و یک خودپسندی سیاسی مزمن است. تنوع سلیقه‌ها و حتی انتقادات، اگر به «تنازع» و «تفرقه» تبدیل شود، دشمن را در هدفش یاری می‌کند. بنابراین مسیر پیشنهادی، «وحدت در عین کثرت»، ولی با «انسجام عملی» است. جریان‌های سیاسی، تلویزیون، و شخصیت‌ها مخاطب این پیام در «از خودگذشتگی» سیاسی هستند. پس از پیام مجلس برخی نمایندگان سریعاً به آن واکنش نشان دادند تا وانمود کنند که مصداق و ضمیر هشدارها نیستند! این برخلاف ظاهر، یعنی تصمیم به برجاماندن بر رویکرد قبلی و تغییرنکردن!

ریل چهارم: «مشاهده‌ی عینی امیدآفرینی»، جمله «جامعه پیش از هر چیز نیازمند مشاهده نشانه‌های واقعی امید، مسیر باثبات و چشم‌انداز روشن از آینده است تا بتواند بر اساس آن برنامه‌ریزی و حرکت کند» در پیام مجلس، شکافی تاریخی را نشان می‌دهد که بر اساس آن، نسل جدید یا جامعه پساجنگ، وعده‌های آرمانشهری را هرچند درست، بدون نشانه‌های کوچک و ملموس بهبود باور نمی‌کند و این یعنی حرکت به سوی واقع‌گرایی. بنابراین مقیاس تحول، فعلاً «بهبود شاخص‌های روزمره» است، نه اینکه این مقیاس به این حد فروکاسته شده باشد و ما دیگر آرمانی نباشیم اما رهبری از نمایندگان مجلس می‌خواهد که به‌جای شعارهای بلندپروازانه، یا خیال‌پردازانه یا انتخاباتی، با معیارهای ملموس حل تورم، اشتغال، مسکن و فسادستیزی با مردم حرف بزنند. نباید گمان کرد این یک «سکولاریزاسیون پراگماتیستی مطالبات» است، برعکس این عین قانون الهی برای زنده‌نگه‌داشتن جامعه‌ی دینی است.

ریل پنجم: «مجلس پیشران» و «هم‌افزا با دولت» و نوعی بازطراحی حکمرانی است. رهبری در پیام‌خود «دستور کار عملیاتی» به مجلس می‌دهد، یعنی اصلاح برنامه هفتم، بازسازی جنگ‌ها، تمرکز بر شعار سال، و اولویت اقتصاد مقاومتی. این نشان می‌دهد «صندلی» مجلس دیگر یک «شغل» برای حفظ خود و کاریابی برای دوستان و فامیل نیست. یا می‌توانید پیشران حکومت و ملت باشید، یا اگر «پیشران خود» هستید، مردم صندلی را از زیر پای شما خواهند کشید، بلکه اصولاً اجازه نشستن بر این صندلی را نخواهند داد. من به کار رفتن واژه «صندلی» در پیام رهبری را یک نماد برای هشیارباش هر روزه در جایگاه مهمی می‌دانم که برخی آن را به بازی و غفلت گرفته‌اند.

ما انقلابی ماندگار در برابر سلطه جهانی بودیم (و هستیم)، ولی اکنون «انرژی انقلابی» را به «مهندسی اجتماعی و اقتصادی» تزریق می‌کنیم. اگر کسی با همین بدیهیات رسانه‌های غربی که از شکست بزرگ امریکا سخن می‌گویند باور نکند که ایران چه کار بزرگی در این جنگ کرد، او را با هیچ چیز دیگر نمی‌توان آگاه کرد.

بسیاری در درون و برون انتظار می‌کشند که ما قدر قدرت تازه خود را ندانیم. همین حالا هر پیام تفرقه‌افکنی می‌تواند یک روز توافقی که منافع ایران را تأمین کند، دور سازد یا جنگی را که نفعی در آن نباشد، نزدیک. بنگرید که قدر این قدرت را می‌دانید یا نه!